

قدرت هنجاری و دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا (کاربست آن در قبال جمهوری اسلامی ایران)

سیدحمزه صفوی^۱، ابراهیم باقری^۲، یاسر نورعلی وند^۳

چکیده

این مقاله در پی آن است که با بررسی جنبه‌های مختلف فعالیت دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قالب قدرت هنجاری و شناسایی سازوکارهای بکار گرفته شده در این زمینه از سوی اتحادیه، دیپلماسی فرهنگی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد. فرضیه مقاله این است که بدون در نظر گرفتن سطح و عمق روابط سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن با ایران، چیزی که همواره پایه ثابت سیاست اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران است، استفاده از دیپلماسی فرهنگی مستتر در قدرت هنجاری و نرم این اتحادیه با هدف همسوسازی جامعه ایران با نگرش‌ها و منافع اتحادیه و در نهایت تحت فشار قرار دادن حکومت ایران از سوی مردم خود برای گشایش فضای مطلوب در بلندمدت است. یافته پژوهش این است که هرچند دیپلماسی فرهنگی واحدی از سوی اتحادیه اروپا برای تأثیرگذاری بر جامعه و افکار عمومی جمهوری اسلامی ایران تعریف نشده است، با این حال این سیاست‌ها در همان چارچوب راهبردهای فرهنگی اتحادیه اروپا که از سال ۱۹۹۲ و از پیمان ماستریخت با عنوان برنامه‌های سیاست فرهنگی اتحادیه اروپا و در دو شیوه نفوذ و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم تعریف شده بود، ادامه داشته و تحت پوشش عناوین مختلف و در چارچوب قدرت نرم این اتحادیه با ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و قدرت هنجاری عملیاتی می‌شود. مقاله از نوع توصیفی تحلیلی بوده و از روش‌شناسی استنباطی جهت نیل به اهداف تحقیق استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی

قدرت نرم، قدرت هنجاری، دیپلماسی فرهنگی، روابط فرهنگی، اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۰۸

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران safavi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای (اروپا)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
bagheri6868@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای (اروپا)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
nooralivand@gmail.com

۱. مقدمه

اتحادیه اروپا اغلب به عنوان یک قدرت هنجاری و ارزشی شناخته شده است که ضمن تأکید بر ارزش های معین در صدد اشاعه و گسترش آنها است. پس از پایان جنگ سرد و تبدیل جامعه اروپا بر اساس پیمان ماستریخت به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲، اتحادیه اروپا که در آن زمان متشکل از ۱۵ کشور شده بود در پی کسب جایگاه برتر جهانی بود. با وجود روسیه به عنوان قدرت بزرگ نظامی، امریکا به عنوان قدرت بزرگ نظامی و اقتصادی و ژاپن به عنوان قدرت بزرگ اقتصادی، اتحادیه اروپا نمی توانست برای ارائه خود به جهان از دو ممیزه نظامی و اقتصادی استفاده کند. بر این اساس در این دوران ایده مطرح شدن اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری مطرح شد. اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت هنجاری برای خود مسئولیت هایی همچون ترویج دموکراسی، حکومت قانون، حفظ محیط زیست، دفاع از حقوق بشر، خدمات عمومی، تنوع فرهنگی و امنیت غذایی را به رسمیت شناخت و از سیاست تجاری برای ترویج ارزش های اروپایی بهره می گیرد. از این رو، مهم ترین ابزار تأثیرگذاری اتحادیه قدرت هنجاری آن یعنی توانایی شکل دادن به هنجارهای سایر جوامع است. همچنین توانایی اتحادیه در فعالیت غیررسمی در حاشیه سیاست خارجی و امکانات مادی آن به افزایش کارایی دیپلماسی عمومی^۱ به طور کلی و دیپلماسی فرهنگی^۲ به طور خاص کمک می کند. مزیت نسبی قدرت هنجاری^۳ اتحادیه موجب می شود این اتحادیه در سیاست خارجی خود راهکارهای ارتباطات فرهنگی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی را بیشتر مورد توجه قرار دهد.

این نوشته در پی آن است که با بررسی جنبه های مختلف فعالیت دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا و شناسایی سازوکارهای بکار گرفته شده در این زمینه از سوی این اتحادیه، دیپلماسی فرهنگی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد. از این رو، مقاله پیش رو در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی برآمده است که اهداف دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال ایران کدامند و از چه روش ها و شیوه هایی برای تحقق این اهداف استفاده می کند؟ در راستای تبیین بهتر سؤال اصلی این سؤال فرعی مطرح می شود که آیا اساساً دیپلماسی فرهنگی واحدی از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟ فرضیه مقاله این است که بدون در نظر گرفتن سطح و عمق روابط سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و

1. Public Diplomacy
2. Cultural Diplomacy
3. Normative Power

دولت‌های عضو آن با ایران، چیزی که همواره پایه ثابت سیاست اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران است، استفاده از دیپلماسی فرهنگی مستتر در قدرت هنجاری و نرم این اتحادیه با هدف همسوسازی جامعه ایران با نگرش‌ها و منافع اتحادیه و نهایتاً تحت فشار قرار دادن حکومت ایران از سوی مردم خود برای گشایش فضای مطلوب در بلندمدت است. به‌منظور پاسخ هر چه بهتر به سؤالات مقاله و آزمون فرضیه تحقیق، مقاله از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. در بخش نخست، از مفهوم قدرت نرم به‌عنوان یک چارچوب تئوریک برای تحلیل مفهوم دیپلماسی فرهنگی استفاده خواهد شد. بخش دوم به تعریف مفهومی دیپلماسی فرهنگی، ابزارها و نقش آن در سیاست خارجی بازیگران بین‌المللی اختصاص خواهد یافت. در بخش سوم مقاله نیز بررسی خواهد شد که آیا اتحادیه اروپا دیپلماسی فرهنگی واحدی دارد یا در چارچوب دیپلماسی فرهنگی اعضا باید آن را جست‌وجو کرد. پس از شناخت از دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا، اهداف و ابزارهای آن، در بخش پایانی پژوهش چگونگی کاربست این دیپلماسی از سوی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران مورد کنکاش و مطالعه قرار خواهد گرفت.

۲. چارچوب نظری: قدرت نرم

قدرت از نظر ساختاری به دو بخش سخت و نرم تقسیم می‌شود. قدرت سخت، قدرت آشکار و ملموسی است که منابع آن اقتصاد، فناوری، سیاست و نیروی نظامی است و داشتن آنها، موجب تغییر در موقعیت کشور یا افراد می‌شود. در مقابل، قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران با استفاده از قدرت فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارها است (Nye, 1990: 7). به این علت که حوزه دیپلماسی فرهنگی و ابزارهای آن در راستای شکل‌دهی به ترجیحات دیگران و با اقناع آنان سروکار دارد، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که می‌توان آن را پایه نظری دیپلماسی فرهنگی دانست، اصطلاح قدرت نرم است که نخستین بار از سوی جوزف نای مطرح و تئوریزه شده است. وی در سال ۱۹۹۰، در مقاله‌ای در ماهنامه آتلانتیک با تأکید بر اهمیت قدرت نرم، قدرت آینده را قدرت کنترل و انتشار اطلاعات و توانایی تغییر رفتار دولت‌های دیگر دانست (Nye, 1990: 8).

قدرت نرم، در اصطلاح به معنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران به گونه‌ای آشکار، اما نامحسوس است که برای کسب نتایج

مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع بکار گرفته می‌شود و با به کارگیری ابزارها و شیوه‌های غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶). قدرت نرم نیز مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع مختلف است. شناخت و آگاهی از منابع هر قدرتی به این دلیل دارای اهمیت است که این منابع به میزان زیادی تعیین کننده ماهیت آن قدرت هستند. جوزف نای در کتاب خود منابع قدرت نرم را شامل ارزش‌های فرهنگ؛ دیپلماسی عمومی؛ خط‌مشی‌های سیاستمداران و نهادها و سیاست خارجی معرفی می‌کند (نای، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵).

ساندرس و میچل مهم‌ترین ابعاد ایجابی و سلبی قدرت نرم را به شرح زیر بر شمرده‌اند: «تغییر ایدئولوژی حاکم؛ کاهش مشارکت سیاسی مردم با القای ناکارآمدی حکومت؛ تغییر هویت دینی و ملی شهروندان با تخریب پیشینه تاریخی آنان؛ دستکار افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم؛ تغییر انسجام سیاسی حاکم؛ تغییر ارزش‌های جامعه و ایجاد استحاله فرهنگی؛ ایجاد فرهنگ جدید و تغییر الگوی سیاسی حاکم؛ تشدید و تقویت واقع‌گرایی قومی» (الیاسی، ۱۳۸۹: ۵۰).

توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران نیز به سرمایه‌هایی همچون شخصیت جذاب، منابع قدرت نرم، ارزش‌های جهان‌شمول، سازمان‌های سیاسی کارآمد و سیاست‌هایی که دارای مشروعیت و اعتبار اخلاقی هستند، بستگی دارد. در واقع، قدرت نرم ابزار رایج متفاوتی (غیر از زور و پول) را برای جلب همکاری مورد استفاده قرار می‌دهد. هنگامی که فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهان‌شمول را در بر می‌گیرد و سیاست‌های آن، ارزش‌ها و منافع را ارتقا می‌بخشد که دیگران نیز در آن سهیم‌اند، در این صورت به دلیل جاذبه‌آفرینی، احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای آن کشور فراهم می‌گردد (نای، ۱۳۷۸: ۸-۹).

ابعاد قدرت نرم توسط کشورها و با استفاده از ابزارهایی همچون دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و همچنین دیپلماسی فرهنگی عملیاتی می‌شوند. به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلای اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که با توجه به ظرفیت‌ها و ابزارهای فرهنگی که در اختیار دارند در طرف مقابل نفوذ کرده و اهداف خود را پیاده‌سازی نمایند.

۳. بررسی مفهوم دیپلماسی فرهنگی

امروزه دولت‌ها از ظرفیت‌های فرهنگی خود برای تأثیرگذاری بر سایر ملت‌ها در جهت پیشبرد بهتر امور خود استفاده می‌کنند. این مهم از سوی اکثر دولت‌ها و دیگر موجودیت‌های سیاسی در قالب دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای دنبال می‌شود.

دیپلماسی فرهنگی به عنوان نوعی از دیپلماسی عمومی شناخته می‌شود که در قالب «تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگی میان دولت‌ها به منظور ارتقای درک متقابل و پیشبرد بهتر سیاست‌ها و اهدافشان» تعریف می‌شود (Waller, 2009: 74). دیپلماسی فرهنگی حوزه‌ای از دیپلماسی به‌طور کلی و دیپلماسی عمومی به‌طور خاص است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش مربوط است. دیپلماسی فرهنگی فرآیند موثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها در سطوح دوجانبه و چندجانبه ترویج می‌یابند (شعاعی، ۱۳۷۴: ۷۱). همچنین دیپلماسی فرهنگی نوعی از قدرت نرم محسوب می‌شود؛ چراکه به بازیگران سیاسی توانایی می‌دهد آنچه را که می‌خواهند از طریق جذب و اقناع به دست آورند نه زور و اجبار (Nye, 2004: 18-22). هدف کشورها از اعمال دیپلماسی فرهنگی تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملت‌های دیگر و جلب آنها به سوی دیدگاه‌ها و نگرش‌های خود به‌منظور کسب حمایت گسترده برای اهداف سیاسی و اقتصادی‌شان است (Maak, 2001: 59).

ریچارد آرنست^۱ معتقد است که می‌باید میان روابط فرهنگی که به‌طور طبیعی و ارگانیک و بدون مداخله دولت‌ها در چارچوب‌هایی همچون معاملات تجاری و گردشگری، ورود و خروج دانشجویان، ارتباطات، گردش کتاب، مهاجرت، دسترسی به اینترنت و ازدواج رشد و توسعه می‌یابد و دیپلماسی فرهنگی که تنها زمانی اتفاق می‌افتد که دیپلمات‌های رسمی یک دولت تلاش می‌کنند که این جریان طبیعی را در جهت پیشبرد منافع ملی کشور خود شکل‌بندی و جهت‌دهی کنند، تمایز قائل شد (Cull, 2008: 33). در این رابطه، جی. ام. مایکل^۲ روابط فرهنگی را تشویق روابط مشترک میان نهادهای فرهنگی و آموزشی و افراد که موجب پیوند فکری، هنری و اجتماعی میان ملت‌ها می‌شود تعریف می‌کند در حالی که دیپلماسی فرهنگی را تنها وارد کردن

1. Richard G Arendt

2. J. M. Mickel

فرهنگ در توافق‌نامه‌های بین‌المللی و استفاده از فرهنگ برای پشتیبانی مستقیم از دیپلماسی یک کشور می‌داند. در دیپلماسی فرهنگی روند سیاستگذاری و اجرا عمدتاً توسط ارگان‌ها و موسسات حکومتی دنبال می‌شود، حال آنکه روابط فرهنگی علاوه بر اینکه به وسیله دولت‌ها دنبال می‌شود، از سوی اشخاص و مؤسسات خصوصی نیز پیگیری می‌شود. بنابراین دیپلماسی فرهنگی تنها بخشی از روابط فرهنگی است و تحت حمایت و هدایت دولت انجام می‌گیرد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

طبق نظر استراتژیست‌های دیپلماسی فرهنگی بریتانیا، این رویکرد می‌تواند به نتایج متنوع و نامحدودی منتهی شود. به عقیده آنان این دیپلماسی علاوه بر اینکه موجب آشنایی مردم با کشور می‌شود، با خلق ادراک مثبت نسبت به آن، قابلیت خرید محصولات انگلیسی زبان، فهم، تصدیق و رعایت آداب و رسوم و سیاست‌ها به زبان انگلیسی را نیز بالا می‌برد (Leonard and Stead, 2002: 9-10). لئونارد و استید استدلال می‌کنند که «دیپلماسی فرهنگی چیزی بیش از فریفتن ساده عموم و جلب نظر دولت‌هاست. فلسفه دیپلماسی فرهنگی، دستیابی به نتایج است» (Leonard and Stead, 2002: 47). به‌طور کلی می‌توان گفت دیپلماسی فرهنگی اهداف زیر را دنبال می‌کند:

ایجاد دیدگاهی مثبت در کشور هدف نسبت به مردم، فرهنگ و سیاست‌های کشور مبدأ؛ افزایش همکاری‌های بیشتر میان دو ملت؛ تغییر سیاست‌ها یا فضای سیاسی کشور هدف؛ جلوگیری، مدیریت یا کاهش تضاد با کشور هدف (Waller, 2009: 77). نتایج دیپلماسی فرهنگی در یک دوره بلندمدت خود را نشان می‌دهد و کمتر بر روی موضوعات سیاسی خاص تمرکز می‌کند. به‌طور کلی، دیپلماسی فرهنگی بذرهایی از آرمان‌ها، ایده‌ها، بحث‌های سیاسی، برداشت‌های معنوی و یک نمای کلی از جهان خودی است که در محیط فکری و فرهنگی کشور هدف پاشیده می‌شود و ممکن است که شکوفا شود یا نشود (Cull, 2008: 35). در درجه نخست، دیپلماسی فرهنگی نمایشی از قدرت ملی است، زیرا به مخاطبان خارجی جنبه‌های مختلفی از فرهنگ شامل ثروت، پیشرفت‌های علمی و فناوری، رقابت در همه چیز از ورزش و صنعت تا قدرت نظامی و اعتماد به نفس کلی یک ملت را نشان می‌دهد. علاوه بر این، دیپلماسی فرهنگی شامل بحث‌های سیاسی و ایدئولوژیک با استفاده از زبان اقناع است، که در این راستا می‌تواند حتی به عنوان ابزار جنگ سیاسی استفاده شود و در دستیابی به اهداف سنتی جنگ‌ها مفید باشد. دیپلماسی فرهنگی از تمامی ابزارهای فرهنگی کشور سود می‌برد. این ابزارها شامل موارد زیر می‌شوند:

هنرها شامل فیلم، موسیقی، نقاشی و...؛ مبادلات علمی، هنری و آموزشی؛ نمایشگاه‌های مختلف به‌منظور در معرض دید قرار دادن ظرفیت‌های مختلف فرهنگی خود؛ برنامه‌های آموزشی مانند مبادلات دانشگاهی و برنامه‌های ترویج زبان؛ ایجاد کتابخانه در خارج از کشور و ترجمه آثار محبوب و ملی؛ تأسیس رسانه‌های دسته‌جمعی بین‌المللی مانند رادیو، تلویزیون و اینترنت؛ دیپلماسی مذهبی در چارچوب بحث‌های بین‌مذهبی؛ توسعه و ترویج ایده‌ها و سیاست‌های اجتماعی.

استفاده درست این ابزارها در چارچوب دیپلماسی فرهنگی منجر به درک و تأثیرپذیری کشور هدف از فرهنگ مبدأ می‌شود (Kennedy, 2003: 315-323). دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به اهداف اقتصادی یک کشور نیز کمک کند. در عصر وابستگی‌های متقابل و ارتباطات جهانی، ارزش‌های فرهنگی به‌طور ناخودآگاه و نیز ناگهانی، اهمیتی وافر در تجارت بین‌المللی و جریان‌های مالی جهانی کسب کرده‌اند. در محیط جدید، رشد اقتصادی برخی از کشورها به‌شدت به دیپلماسی فرهنگی وابسته شده است تا بتواند نفوذ و رقابت خود در جهان اقتصادی را افزایش دهد. (Germany – GFMOFA, 2002). مصداق این مسأله ارتباط دادن همکاری‌ها و موافقتنامه‌های تجاری اتحادیه اروپا با اصلاحات حقوق بشری، حاکمیت قانون و به‌طور کلی پایبندی به ارزش‌های غربی به عنوان پیش شرط توافقات تجاری می‌باشد.

۴. دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا: تاریخچه و مبانی حقوقی

سابقه نشان داده است که اتحادیه اروپا تمایلی به بکارگیری عنوان دیپلماسی فرهنگی نداشته و درعین حال نخواست به عنوان سازمانی فعال در ارتباط با مردم خارج از اتحادیه شناخته شود. این نهاد بیشتر از تعبیراتی چون اطلاع‌رسانی، تبادلات فرهنگی و آموزشی یا برقراری ارتباطات به جای دیپلماسی فرهنگی استفاده کرده است. با لازم الاجرا شدن پیمان ماستریخت در اول نوامبر ۱۹۹۳ و ذکر عنوان «ساماندهی همکاری‌های فرهنگی و ضرورت شکوفایی فرهنگ دولت‌های عضو جامعه اروپایی» در ماده ۳ این پیمان، فصل جدیدی از سیاست‌های فرهنگی در برابر کشورهای عضو این مجموعه گشوده شد. با اختصاص ماده ۱۲۸ پیمان ماستریخت به مسائل فرهنگی، این رویکرد به عنوان یک هدف شناخته شده با پشتوانه حقوقی معتبر، از جایگاه مناسبی در جامعه اروپایی برخوردار گردید. پس از آن این ماده به همان صورت در بند ۱۵۱ معاهده آمستردام در سال ۱۹۹۷ مجدداً گنجانده شد. بر اساس ماده ۱۵۱ پیمان آمستردام، نخستین نسل از برنامه‌های فرهنگی، ابتدا به صورت نمونه (پیلوت) و سپس به صورت

مجموعه فعالیت‌های مشترک از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ وارد عرصه اجرایی شد. این تجربیات، زمینه را برای عملیاتی کردن سه برنامه فرهنگی «کالیدوسکوپ»^۱، «آریان»^۲ و «رافائل»^۳ در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ مهیا کردند. با پایان یافتن برنامه‌های کالیدوسکوپ، آریان و رافائل در ژوئن ۱۹۹۹، پارلمان و شورای اروپایی «برنامه فرهنگ ۲۰۰۴» را که از سوی کمیسیون پیشنهاد شده بود در تاریخ چهاردهم فوریه ۲۰۰۰ به تصویب رساندند. فرهنگ ۲۰۰۰ که برنامه‌های سه‌گانه کالیدوسکوپ، آریان و رافائل را یکجا گرد هم آورده بود، ارتقا سطح تعاملات، توجه به میراث فرهنگی اروپایی، شیوه‌های جدید ارائه فرهنگ‌ها و همچنین کارکردهای اقتصادی اجتماعی فرهنگ را مدنظر داشت و از پروژه‌های مشترک میان کشورهای حمایت به عمل می‌آورد. این برنامه از اول ژانویه ۲۰۰۰ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶ ادامه داشت (European Union, 2007). در ادامه شاهد پیشنهاد پارلمان و شورای اروپا در قالب «برنامه فرهنگ ۲۰۰۷»^۴ در چهارم ژوئیه ۲۰۰۴ هستیم. این برنامه نیز که ادامه برنامه فرهنگ ۲۰۰۰ و به مراتب کاملتر از آن است، از اول ژانویه ۲۰۰۷ تا پایان دسامبر ۲۰۱۳ ادامه داشت. برنامه فرهنگ ۲۰۰۷ سه هدف عمده را دنبال می‌کرد: نخست، تسهیل جریان انتقال و گردش آثار هنری و محصولات فرهنگی در فراسوی مرزهای ملی؛ دوم، حمایت از انتقال متخصصان بخش فرهنگی در سراسر کشورهای عضو اتحادیه به منظور ترفیع سطح مبادلات و انتقال تجربیات؛ سوم، ایجاد و ارتقای گفت‌وگوی میان فرهنگی بر اساس برابری و همسان‌انگاری فرهنگ‌های مختلف. این برنامه همچنین تمهیداتی را برای همکاری با کشورهای ثالث (خارج از اتحادیه) به ویژه کشورهایی که پیمان دوجانبه همکاری فرهنگی با اتحادیه امضا کرده‌اند پیش‌بینی کرده بود (European Union, 2011). بعد از این بود که جهت‌گیری سیاست‌های فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال جهان خارج از خود شکل جدی‌تر و متمرکزتری به خود گرفت. در همین راستا، در سال ۲۰۰۷ در چارچوب کمیسیون «دستور کار اروپایی برای فرهنگ در یک دنیای در حال جهانی شدن» گام جسورانه‌ای برای دستور کار در عرصه‌های

۱. کالیدوسکوپ (Kaledioscope) برنامه حمایت از آثار هنری فرهنگی اروپایی به‌منظور پشتیبانی مؤثر از آثار هنری و تشویق خلاقیت‌ها و تسهیل دسترسی ملت‌ها به میراث‌های اروپایی است.

۲. برنامه آریان (Ariane) برنامه‌ای برای تقویت بخش کتاب و ترجمه در اروپا با دو هدف تشویق همکاری‌های فرهنگی میان کشورهای عضو در زمینه کتاب و کتابخوانی و همچنین ارتقاء سطح آگاهی و شناخت ملت‌های اروپایی و اشاعه آثار ادبی و تاریخی، نمایشی و مرجع به کمک ترجمه است.

۳. برنامه رافائل (Raphael) با هدف اجرای سیاست‌های اتحادیه در خصوص «میراث فرهنگی اروپایی» و حفاظت، پاسداری و ارزش بخشیدن به آن در دستور کار قرار گرفت.

4. Culture 2000 Programme

5. Culture 2007 Programme

فرهنگی برداشته شد. این دستور کار سه جنبه را در برمی گرفت: نخست، ترویج تنوع فرهنگی و گفتگوی بین فرهنگی، دوم ترویج فرهنگ به عنوان یک کاتالیزور برای خلاقیت در چارچوب استراتژی لیسبون و سوم ترویج فرهنگ به عنوان یک عنصر حیاتی در روابط بین‌المللی اتحادیه اروپا. مجموعه اهدافی که برای ترویج فرهنگ به عنوان عنصر حیاتی روابط بین‌المللی اتحادیه اروپا که در «دستور کار اروپایی برای فرهنگ در یک دنیای در حال جهانی شدن» مورد تأکید قرار گرفته است در قالب یک شکل به صورت زیر به نمایش در می‌آید.



شکل ۱. اهداف دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا (European Commission, 2007: 10-11).

کمیسیون بر این امر تأکید داشت که غنا و تنوع فرهنگی اروپا ارتباط نزدیکی به نقش و نفوذ آن در جهان دارد. اتحادیه اروپا تنها یک فرایند اقتصادی و یا یک قدرت تجاری نیست، بلکه این اتحادیه در حال حاضر به عنوان یک پروژه اجتماعی و فرهنگی بی‌سابقه و موفق نیز درک می‌شود. اتحادیه اروپا می‌باید از این ظرفیت خود بهره برده و به یک نمونه موفق قدرت نرم در تأسیس و ترویج هنجارها و ارزش‌ها برای الهام‌بخشی به جهان فردا باشد. به هر حال تلاش کمیسیون نتیجه داد و ایده ایجاد نقشی برای فرهنگ در روابط خارجی اتحادیه اروپا توسط سران اتحادیه مورد تأیید قرار گرفت. شورای اروپا در ژوئن ۲۰۰۸ ارزش همکاری فرهنگی و گفت‌وگوی بین‌المللی در بالاترین سطح را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست خارجی اتحادیه به رسمیت شناخت. توافق شورا بر روی ترویج تنوع فرهنگی و گفت‌وگوی بین‌المللی در روابط خارجی اتحادیه و دولت‌های عضو آن در نوامبر ۲۰۰۸ با عنوان «رویکرد استراتژیک برای فرهنگ و گفت‌وگوی بین فرهنگی در چارچوب روابط خارجی» مورد تصویب قرار گرفت. (Isar, 2012: 5-10). با تصویب این پیمان، دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا دیگر نه توسط دبیرخانه شورا و یا کمیسیون که به شکل ضعیفی دنبال می‌شد، بلکه توسط سرویس اقدام خارجی^۱ اروپایی مدیریت می‌شود (Duke, 2013: 10-15).

1. European External Action Service

با وجود این اقدامات، گزارش ماریه چاکی^۱ در پارلمان اروپا در ۲۰۱۱ نشان داد که هنوز هم عدم انسجام گسترده‌ای میان کشورهای عضو و گروه‌ها و نهادهای مختلف در داخل اتحادیه در مورد بکارگیری نقش فرهنگ در روابط خارجی وجود دارد. این عدم انسجام و نداشتن یک راهبرد مشترک مانع استفاده کامل و کارآمد از منابع و بودجه فرهنگی اتحادیه می‌شد. متعاقب آن پارلمان اروپا یک قطعنامه حمایتی برای توصیه‌های این گزارش تصویب کرد و سرویس اقدام خارجی اروپا و کمیسیون اروپا را برای هماهنگ کردن استقرار استراتژیک جنبه‌های مختلف فرهنگ در سیاست خارجی، ترکیب نظام‌مند و پیوسته فرهنگ در روابط خارجی اروپایی و مکملی برای سیاست فرهنگی خارجی دولت‌های عضو مورد خطاب قرار داد. امروزه اتحادیه اروپا در راستای این استراتژی از سازمان‌های کشورهای عضو خود در این زمینه همچون مؤسسه گوته در آلمان، شورای بریتانیا، مؤسسه فرهنگی دانمارک، بنیاد فرهنگی اروپایی، مؤسسه فرانسه و مرکز هنرهای زیبا در بروکسل که دارای شبکه گسترده‌ای از دفاتر در ۵۴ کشور هستند، بهره می‌برد (Isar, 2012: 11-13).

همچنین در فوریه ۲۰۱۴، مشاور ارشد امور فرهنگی برای دفتر دبیرکل سرویس اقدام خارجی اروپا منصوب شد و یک اقدام مقدماتی در زمینه روابط فرهنگی خارجی توسط پارلمان اروپا آغاز و به وسیله کمیسیون اروپایی از طریق یک کنسرسیوم خارجی اجرا می‌شود. اگرچه فرهنگ هنوز تحت صلاحیت هر یک از دولت‌های عضو است، اتحادیه اروپا در زمینه روابط فرهنگی خارجی فعال است و به عنوان مکملی برای فعالیت‌های کشورهای عضو در این عرصه در زمان مناسب و لازم است (Lisack, 2014: 10). به‌طور کلی می‌توان گفت شورای اروپا، کمیسیون اروپا و سرویس اقدام خارجی اروپا نهادهای کلیدی مسئول دیپلماسی فرهنگی در سطح اتحادیه اروپا هستند. کار اصلی این نهادها هماهنگ کردن فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی در داخل و خارج از اتحادیه اروپا است. همچنین باید اضافه کرد که بودجه فرهنگی اتحادیه اروپا برای ۲۰۱۳-۲۰۰۷ برابر با یک میلیارد و دویست میلیون یورو بود که این رقم برای دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۱۴ به یک میلیارد و هشتصد میلیون یورو افزایش یافته است (Ebels, 2012: 23).

در مورد منابع قدرت نرم اتحادیه اروپا نیز پژوهشگران غربی معتقدند هنجارهای مختلف اروپایی موجب شده اتحادیه از پشتوانه مناسبی برای دیپلماسی فرهنگی برخوردار باشد و اشاعه این هنجارها می‌تواند نفوذ این نهاد در جوامع مورد نظر را

1. Marietje Schaake

تسهیل کند. هنجارهای همانند احترام به صلح، همکاری، حقوق بشر و دموکراسی، حقوق شهروندی و حاکمیت قانون. همچنین برخورداری از فناوری‌های پیشرفته، حضور مؤثر در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، ظرفیت مناسب برای میانجیگری و برخورداری از موقعیت شراکت نخست با قدرت‌های بزرگ از دیگر منابع قدرت نرم اتحادیه به شمار می‌رود (Ferrero-Valdner, 2007).

۵. شیوه‌های نفوذ و تاثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا

دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا بر مبنای منابعی که در حوزه قدرت نرم دارد، از دو شیوه تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم برای بهره‌گیری از این منابع استفاده می‌کند که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱- ۵. شیوه‌های تأثیرگذاری مستقیم

- **موضع‌گیری، قطعنامه، بیانیه:** در این شیوه تلاش زیادی صورت می‌گیرد تا اخبار و وقایع مرتبط با یک موضوع در جهت مورد نظر هدایت شده و نسبت به برقراری ارتباط میان این گونه اخبار و هنجارهای اتحادیه اقدام شود. موضوعات چنین تلاش‌هایی ممکن است بسیار خاص باشد همانند دستگیری یک خبرنگار یا فعال حقوق بشری و در نتیجه بیانیه صادره تنها این مورد خاص را مورد اشاره قرار می‌دهد.

- **مذاکره و گفت‌وگو:** در این شیوه اتحادیه تلاش می‌کند در قالب گفت‌وگو تأثیرات مورد نظر را در جامعه هدف به جای گذارد. معمولاً گفت‌وگوها در قالب مذاکرات الحاق یا انعقاد قرارداد همکاری تجاری یا گفت‌وگوهای حقوق بشری صورت می‌گیرد و اتحادیه در چارچوب اینگونه مذاکرات، به تشویق و ترغیب طرف مقابل نسبت به اعمال تغییرات مورد نظر خود اقدام می‌کند. مذاکرات الحاق با ترکیه یا مذاکرات همکاری تجاری با ایران نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست.

- **ارتباطات رودررو:** مقامات عالی‌رتبه دفاتر نمایندگی اتحادیه در کشورهای ثالث با سفر به نقاط مختلف کشور محل مأموریت با مقامات محلی و ملی، فعالان تجاری، افراد دانشگاهی، دانشجویان و رهبران جوامع محلی دیدار می‌کنند.

- **ابزار دموکراسی و حقوق بشر اروپا:** تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تقویت نقش جامعه مدنی در ارتقا حقوق بشر و اصلاحات دموکراتیک، پوشش فعالیت‌های اتحادیه در مناطق مورد نظر در زمینه مذاکره حقوق بشری، مدافعان حقوق بشر، مجازات

مرگ، شکنجه، کودکان و درگیری‌های نظامی و خشونت علیه زنان از جمله اهدافی است که از طریق این ابزار پیگیری می‌شود. این اهداف توسط هیئت‌های نمایندگی این اتحادیه مدیریت می‌شود و نقش عمده در اجرای خط مشی اروپا در حمایت از فعالیت‌ها و مدافعان حقوق بشری به عهده آنها می‌باشد (Council of The European Union, ۲۰۰۹).

- **رسانه‌های اتحادیه:** اتحادیه اروپا از رسانه‌های متعددی برای ارتباط با مخاطبان بهره می‌گیرد. شبکه رادیویی ۱۹ زبانه به نام یورونت و شبکه تلویزیونی یورونیوز از جمله ابزارهای مورد استفاده اتحادیه هستند. شبکه یورونیوزا شناخته شده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای اتحادیه به شمار می‌رود. این شبکه در حال حاضر به ۱۰ زبان از جمله فارسی برنامه‌های مختلفی را پخش می‌کند.

- **فضای مجازی:** امروزه یکی از ملاک‌های موفقیت در برقراری ارتباطات بین‌المللی و رساندن پیام خود به مخاطبان، میزان حضور در رسانه‌های اجتماعی و نیز میزان مراجعه دیگران به این ابزارهاست. به این منظور مقر اتحادیه و نیز نمایندگی‌های آن در کشورهای مختلف دارای وب سایتی هستند که اطلاعات کاملی را در زمینه‌های مختلف ارائه می‌کنند. وب سایت اتحادیه به آدرس ([Http://europa.eu.com](http://europa.eu.com)) نیز حاوی اطلاعات کاملی از فعالیت‌های این اتحادیه به ۲۳ زبان مختلف است.

۲- ۵. شیوه‌های تأثیرگذاری غیرمستقیم

جنبه دیگری از دیپلماسی فرهنگی اتحادیه که غالباً توسط نمایندگی‌ها در خارج از کشور دنبال می‌شود با هدف معرفی اتحادیه و افزایش شناخت از آن و نیز تأثیرگذاری غیرمستقیم بر هنجارها و ارزش‌های جامعه هدف به اجرا درمی‌آید. تلاش‌های اتحادیه در این زمینه منجر به تسهیل ارتباط میان افراد و مؤسسات اتحادیه با طرف‌های خارجی می‌شود و به‌طور غیرمستقیم بر گفتمان مخاطبان تأثیر می‌گذارد. در این چارچوب برنامه‌های متنوعی توسط اتحادیه به اجرا در می‌آید که برخی از آنها به شرح زیر است:

- **برنامه بازدیدکنندگان:** این برنامه فرصت دیدار از نهادهای اتحادیه اروپا و تماس مستقیم با افرادی که تنظیم‌کننده و اجراکننده سیاست‌های اتحادیه هستند را برای جوانان مستعد کشورهای ثالث فراهم می‌کند. بر اساس این ابتکار مشترک کمیسیون و پارلمان اروپا، هر ساله مقام‌های دولتی، روسای سازمان‌های غیردولتی و اتحادیه‌های تجاری برای بازدیدهای ۵ تا ۸ روزه به بروکسل دعوت می‌شوند. هدف اصلی آن افزایش آگاهی و درک از اتحادیه و ارزش‌های آن است.

- دوره‌های آموزشی در نمایندگی‌های اتحادیه: در این برنامه دانشجویان دانشگاه‌ها و نیز فارغ‌التحصیلان جدید فرصت حضور در یکی از نمایندگی‌های بزرگ و فعال اتحادیه در کشور ثالث را پیدا می‌کنند.

- برنامه‌های دانشگاهی: در این طرح دانشگاه‌های کشورهای ثالث تشویق می‌شوند با دعوت از برخی مقامات اتحادیه به عنوان مدرس در دانشگاه خود امکان آشنایی نزدیک با اتحادیه را فراهم سازند. این اساتید در دوره‌های کوتاه مدت به تدریس در دانشگاه مزبور می‌پردازند.

- پنجره همکاری خارجی آراسموس مندوس^۱: هدف این برنامه شناخت ارزش‌های اتحادیه است. این برنامه با یک بودجه ۹۵۰ میلیون یورویی به فعالیت در زمینه ایجاد دوره‌های مشترک دکتری، فوق لیسانس، اعطای بورسیه به دانشجویان کشورهای غیرعضو، تبادل محقق میان مؤسسه‌های مطالعاتی اتحادیه با کشورهای غیرعضو و ایجاد همکاری میان مؤسسات مختلف می‌پردازد (EM ECW, ۲۰۱۳: ۴-۷).

- هفته اروپا: هر ساله در ماه می نمایندگی‌های اتحادیه و نیز سفارتخانه‌های کشورهای عضو در کشورهای مختلف با همکاری دانشگاه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های فرهنگی تلاش می‌کنند با برگزاری هفته اروپا درک بهتری از اتحادیه ایجاد کنند.

- ویتترین فیلم: در این برنامه فیلم‌های برجسته اروپایی از جمله برندگان جوایز جشنواره‌های فیلم در دوره زمانی مشخصی در کشورهای ثالث نمایش داده می‌شود.

- ارائه کمک‌های مالی: در این زمینه معمولاً دو نوع فعالیت مدنظر است که ابزارهای خاصی برای هر یک پیش‌بینی شده است: اول، ابزار دموکراسی و حقوق بشر که به‌طور مستقیم در اولویت دیپلماسی فرهنگی اتحادیه قرار دارد. نوع دوم، پروژه‌های توسعه‌ای است که توسط سازمان‌های غیردولتی و سایر نهادهای جامعه مدنی اجرا می‌شود. ابزارهای مالی اصلی اتحادیه که سازمان‌های غیردولتی فعال در امور حقوق بشر و توسعه بین‌المللی می‌توانند از طریق آنها و در قالب پروژه‌های پیشنهادی کمک دریافت کنند عبارتند از دو ابزار برخوردار از مبنای حقوقی مشخص (ابزار دموکراسی و حقوق بشر اروپا و ابزار ایجاد ثبات^۲) و ابزارهای جغرافیایی (ابزار قبل از الحاق^۳، صندوق توسعه اروپا^۴، سیاست همسایگی اروپا^۵، توافقنامه

1. The Erasmus Mundus External Cooperation Window
2. Instrument for Stability
3. Instrument for Pre-accession Assistance
4. The European Development Fund
5. European Neighbourhood Policy

تجارت، توسعه و همکاری توسعه‌ای^۱). ([Http://europa.eu.com](http://europa.eu.com))

۶. دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال ایران

با وجود رکود در روابط سیاسی رسمی میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا که بر سر مسئله هسته‌ای بوجود آمده بود و منجر به توقف بسیاری از مناسبات گذشته شده بود، دیپلماسی فرهنگی این اتحادیه با هدف نزدیکی افکار عمومی مردم ایران با ارزش‌های اروپایی و تأثیرپذیری از این ارزش‌ها بدون توجه به نوسانات روابط فیما بین همواره مورد توجه این اتحادیه بوده است. اگرچه ممکن است دسترسی به جزئیات این تلاش‌ها به‌طور کامل ممکن نباشد، اما با توجه به شناخت کلی که از دیپلماسی فرهنگی اتحادیه در بخش پیشین حاصل شد، می‌توان بر اساس آن خطوط کلی این فعالیت‌ها را در قبال جمهوری اسلامی ایران شناسایی و در حد امکان شیوه‌های به کار گرفته شده را مورد بررسی قرار داد. این شیوه‌ها مطابق با آنچه در بخش پیشین آورده شد به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم در قبال ایران نیز دنبال شده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۱-۶. شیوه‌های تأثیرگذاری مستقیم بر مخاطبان ایرانی

بکارگیری روش‌های مستقیم از سوی اتحادیه اروپا از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و استفاده از ابزارهای موجود به سطح و نوع روابط با آن کشورها بستگی زیادی دارد. در همین ارتباط می‌توان گفت به دلیل سطح پایین روابط سیاسی اتحادیه اروپا با ایران از زمان مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران، این اتحادیه در تأثیرگذاری مستقیم بر مخاطبان ایرانی با محدودیت‌هایی روبرو بوده و از روش‌های خاصی اهداف خود را دنبال کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم:

- مذاکره و گفت‌وگو: در این شیوه قدرت نرم حتی برای تأثیرگذاری بر مقامات رسمی طرف مقابل مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور مثال، جوزف نای معتقد است در موضوع هسته‌ای ایران زمانی که قدرت سخت امریکا به بن بست رسید قدرت نرم اروپا موفق به نقش آفرینی شد. وی می‌نویسد: «در ورود سه کشور فرانسه، آلمان و انگلستان به موضوع هسته‌ای ایران در واقع این سه کشور به قدرت نرم خود تکیه داشتند. آنها سعی کردند مشروعیت بین‌المللی خود را برای تهیه دستورکاری بکار گیرند که ایران بدون به خطر افتادن آبروی خود بتواند آن را بپذیرد. نتیجه این امر ایجاد وضعیت پلیس خوب/ پلیس بد میان امریکا و اروپا بود. بنابراین، تمایز میان پلیس خوب و پلیس بد دقیقاً توازن میان قدرت سخت و قدرت نرم

1. Trade, Development and Cooperation Agreement

امریکا و اروپا را منعکس می‌سازد» (Kaussler, 2008: 274-276). موضوعی که بعداً در در گفت‌وگوهای ۱+۵ و حضور نماینده عالی اتحادیه اروپا نمایان شد و تا رسیدن به توافق نهایی برجام و حتی بعد از آن ادامه داشت. یکی دیگر از روش‌ها، ابزار انعقاد همکاری دوجانبه است. در این رابطه اتحادیه تلاش نمود با استفاده از مذاکرات مربوط به توافقنامه همکاری و تجارت^۱ چنین هدفی را دنبال کند. این مذاکرات با هدف تقویت ارتباط میان اتحادیه و ایران در سال ۲۰۰۱ از سوی کمیسیون به شورای اروپا پیشنهاد و چند دور گفتگو نیز انجام شد. اتحادیه در چارچوب این مذاکرات در پی آن بود که وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی میان اتحادیه و ایران را تاحدی افزایش دهد که اروپا قادر به تعیین دستور کار سیاسی در این ارتباط باشد. در این مسیر اتحادیه امتیاز دیگری در قالب همکاری بیشتر سیاسی نیز ارائه کرد و بر اساس آن چارچوب مذاکرات حقوق بشری میان طرفین و با شرط عدم ارائه قطعنامه حقوق بشر در کمیته سوم سازمان ملل تنظیم گردید. طرف ایرانی نیز موافقت نمود تمامی موضوعات حقوق بشری به بحث گذارده شود. به این ترتیب، راه برای دیگر ابزار دیپلماسی فرهنگی اتحادیه یعنی ابزار حقوق بشر باز شد (Kaussler, 2008: 274-276).

- صدور بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها: یکی از بخش‌های ثابت سیاست اتحادیه در قبال ایران توجه مداوم به تحولات داخلی و موضوع گیری در قبال مواردی است که در جهت تاثیر بر مخاطبان داخلی و خارجی قابل بهره‌برداری است و در این راه از ابزارهایی چون صدور قطعنامه یا بیانیه، انجام سخنرانی، موضع گیری، مصاحبه و غیره استفاده می‌کند. اتحادیه در این اقدامات با بکارگیری عباراتی همچون تضمین آزادی‌های اساسی، احترام به حقوق شهروندان، رعایت حقوق زنان و اقلیت‌ها، دسترسی عادلانه به دادگستری، حاکمیت قانون، نگرانی از دستگیری، لزوم لغو مجازات اعدام و غیره درصدد تعمیق ارتباط با مردم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و قرار دادن آنها روبروی حکومت خود است. بنابراین، اگرچه ممکن است موضوعات چنین اقداماتی همانند دستگیری یک فرد یا صدور یک حکم اعدام بسیار خاص و حتی در مواردی برای مقامات کشور کم اهمیت جلوه کند، اما مقاصدی که در ورای این اقدامات نهفته است استراتژیک و بلندمدت هستند. بیانیه کاترین اشتون درباره آزادی نسرين ستوده و دیگر زندانیان سیاسی در ایران در سپتامبر ۲۰۱۳، بیانیه نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ارتباط با ادامه حبس رهبران مخالفان ایران در فوریه ۲۰۱۲، بیانیه نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ارتباط با بازداشت‌ها و حکم اعدام روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان در ایران در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۲، اعلامیه نماینده عالی سیاست

خارجی اتحادیه اروپا در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در ایران در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱، اعلامیه نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ارتباط با مجازات علیه هفت رهبر سابق بهایی در ایران در ۱۰ آوریل ۲۰۱۱، اطلاعیه نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ارتباط با افزایش اجرای احکام اعدام در ایران در ۲۸ جولای ۲۰۱۲ و همچنین قطعنامه‌هایی همچون قطعنامه مصوب مارس ۲۰۱۱ درباره رویکرد اتحادیه اروپا درباره ایران، قطعنامه مصوب نوامبر ۲۰۱۱ درباره موارد اخیر نقض حقوق بشر در ایران، قطعنامه مصوب فوریه ۲۰۱۲ درباره برنامه هسته‌ای ایران و قطعنامه مصوب چهاردهم ژوئن ۲۰۱۲ درباره وضعیت اقلیت‌های قومی در ایران و قطعنامه راهبردی پارلمان اروپا در قبال ایران در ۳ آوریل ۲۰۱۴ از جمله این موارد هستند (وبسایت سفارت آلمان در تهران، ۱۳۹۳).

گفت‌وگوهای حقوق بشری و حمایت از مدافعان حقوق بشر: حقوق بشر همواره یکی از مهم‌ترین سرلوحه‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. تلاش‌های حقوق بشری اتحادیه نه تنها با هدف اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر اتحادیه دنبال می‌شود، بلکه اتحادیه اروپا سعی می‌کند از طریق این اقدامات نقش فعال‌تر و پررنگ‌تری در صحنه بین‌الملل پیدا کرده و دیپلماسی فرهنگی خود را تقویت کند. این تلاش‌ها در گذشته از طریق گفتگوهای مستقیم حقوق بشری و امروزه از طریق ارتباط با مدافعان حقوق بشری در ایران صورت می‌پذیرد. مذاکرات حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا به موازات مذاکرات انعقاد موافقتنامه همکاری و تجارت از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ در تهران و بروکسل برگزار گردید و اتحادیه در خلال این گفت‌وگوها خواستار اعمال تغییرات مشخص و وضع مقررات جدید با هدف حمایت از حقوق بشر شد. در جریان نخستین میزگرد حقوق بشری در سال ۲۰۰۲ طرف اروپایی بر موضوع تبعیض سیستماتیک علیه زنان، دختران و اقلیت‌ها متمرکز شد. همچنین مواضع اتحادیه در مورد مجازات اعدام و سنگسار مورد تأکید قرار گرفت. این مذاکرات نیز منجر به گشایش موضع ایران در موضوع ناظران حقوق بشر و توقف حکم سنگسار و آزادی تعدادی از مخالفین شد. به‌علاوه مذاکرات حقوق بشری تأثیرات جانبی نیز در برداشت و توانست دیپلماسی فرهنگی اتحادیه را در ایران تقویت کند و ارتباط با نهادهای جامعه مدنی را افزایش دهد. در گزارشی که به ارزیابی این مذاکرات می‌پردازد آمده است: «جدای از نتایج ملموس که در نتیجه مذاکرات به دست آمد و شامل دعوت از گزارشگران حقوق بشر بود این گفت‌وگوها تأثیرات غیرمستقیم نیز داشت. از جمله اینکه شبکه‌هایی میان سازمان‌های ایرانی و اروپایی و نیز نهادها و دانشگاهیان دو طرف ایجاد کرد (Kjarum, 2007: 18-20).

امروزه نیز به دلیل رکود ارتباط سیاسی و در نتیجه نبود گفت‌وگوی حقوق بشری میان

مقامات دو طرف، اتحادیه اروپا حمایت و ارتباط با مدافعان حقوق بشری در ایران را در دستور کار خود قرار داده است. حمایت‌ها از طریق صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها و پشتیبانی از نهادها و افراد فعال حقوق بشری ایرانی در خارج صورت می‌گیرد. برای مثال، پارلمان اروپا در آخرین قطعنامه خود علیه ایران در آوریل ۲۰۱۴ از مقامات ایران می‌خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه‌های صنفی، فعالان کارگری و آنهایی را که پس از انتخابات سال ۲۰۰۹ زندانی شده‌اند، آزاد کنند (European Parliament, 2014). همچنین کاترین اشتون نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا در سفری که در اسفند ۱۳۹۲ به تهران داشت با هفت فعال زن حقوق بشری در ایران دیدار کرد. اشتون پس از این دیدارها اظهار کرده است که برای او مهم بوده که از زبان آنها (فعالین حقوق بشر در ایران) بشنود که چگونه می‌توان شرایط را تغییر داد (www.irdiplomacy.ir: 1392).

- پیوند زدن بحث حقوق بشر با سیاست‌های تجاری (مشترک) این اتحادیه: اتحادیه اروپا برای تحقق این اهداف که ممیزه قدرت جهانی آن بود از تمام ابزارهای موجود از جمله ابزارهای تجاری استفاده کرد و در واقع پیشبرد این اهداف به یکی از هدف‌های سیاست تجاری اتحادیه اروپا تبدیل شد. و اتحادیه سعی می‌کند آنها را از طریق استفاده از ظرفیت‌های سیاست تجاری پیش برد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا اهمیت زیادی به مبحث حقوق بشر، ارتقای دموکراسی و برقراری حاکمیت قانون در روابط خود با کشورهای ثالث می‌دهند و در کلیه موافقتنامه‌های همکاری اقتصادی و تجاری با طرف ثالث بندهایی به این موارد اختصاص می‌یابد. گفت‌وگوی حقوق بشری اتحادیه با کشورها به عنوان یک ابزار سیاست خارجی و تجاری به خدمت گرفته می‌شود و به دنبال این است تا از طریق افزایش همکاری‌های اقتصادی و انجام مذاکرات سیاسی با کشورهای ثالث در امر حقوق بشر و دموکراتیزه کردن کشورهای دیگر، ارزش‌های مورد نظر اروپایی را ترویج کند. در واقع به کمیسیونر تجاری در چارچوب سیاست تجاری مشترک اختیارات تام داده شده است و می‌تواند با طرف‌های سوم وارد مذاکرات تعرفه‌ای شده و مواضع سیاسی و تجاری اتحادیه را به‌طور شفاف بیان و اجرا نماید. در این چارچوب اتحادیه اروپا در مذاکرات تجاری و انعقاد موافقتنامه تجاری همیشه اهداف فوق‌الذکر را به صورت آشکار یا ضمنی مد نظر قرار داده است. البته منتقدان می‌گویند هدف اتحادیه اروپا از ارتباط دادن سیاست تجاری با ارزش‌های موسوم به ارزش‌های اروپایی استفاده از این موارد به‌عنوان یک اهرم فشار برای پیشبرد منافع تجاری و سیاست خارجی خود است. آنها می‌گویند شواهد عینی نشان می‌دهد هر کجا منافع اقتصادی اتحادیه اروپا اقتضا کرده این اتحادیه بر تمامی این ارزش‌ها

پشت پا زده است و آنها را نادیده گرفته است. نمونه این موارد را می‌تواند در گفت‌وگوهای و توافق‌های اتحادیه اروپا با کشورهای نفت خیز غیر دموکراتیک در خاورمیانه، شمال آفریقا و قفقاز مشاهده کرد که اتحادیه اروپا برای دسترسی به منابع انرژی آنها تمامی ارزش‌های مورد نظر خود را فراموش کرده است. همچنین جذابیت‌های اقتصادی چین موجب شده است که اتحادیه اروپا استانداردهایی که بر اقتصاد و تجارت در حوزه حقوق بشر و دموکراسی و در کل ارزش‌های اروپایی در نظر می‌گیرد را نادیده بگیرد.

در واقع ارتباط با اتحادیه اروپا در حوزه تجارت منوط به رعایت ارزش‌های اروپایی از طرف شریک مورد نظر می‌باشد که نمونه این سیاست‌ها را می‌توان در ارتباط این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران و مطرح کردن موضوعاتی مانند دموکراسی و حقوق بشر در حوزه تجارت به عنوان شرط‌هایی برای تجارت می‌باشد که از آن با عنوان تجارت برای همه^۱ یا مشروط سازی تجارت نام برده می‌شود که در استراتژی جدید اتحادیه اروپا برای تجارت و سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۵ مورد توجه جدی قرار گرفته است (European Commission presents new trade and investment strategy, 2015)). مثال بارز در این زمینه قطعنامه اخیر پارلمان اروپا بر علیه جمهوری اسلامی ایران است که علل مسدود شدن و تحریم تجارت با ایران را موضوعاتی از قبیل مسئله هسته‌ای، حقوق بشر و انتخابات مطرح کرده‌اند.

- فعالیت‌های رسانه‌ای: تلاش‌های اتحادیه و اعضای آن نشان می‌دهد که تخریب وجهه و اعتبار جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از اهداف دیپلماسی فرهنگی اروپا در خارج از ایران بوده است. نمونه‌های متعددی از تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه را می‌توان برشمرد که فعالیت رسانه‌ای، انجام سخنرانی‌های متعدد، اتخاذ مواضع یکجانبه، اعمال استانداردهای دوگانه در قضاوت‌ها و اظهارنظرها، صدور بیانیه، تمرکز بر اخبار منفی و اغراق در انعکاس آنها، تهیه و نمایش فیلم‌های مستند و داستانی و... از جمله اقدامات انجام شده است. اتحادیه اروپا این اقدامات را در قالب شبکه یورونیوز دنبال می‌کند. این اتحادیه سالانه ۵ میلیون یورو در اختیار یورونیوز قرار می‌دهد. این شبکه موظف است اطلاعاتی را که منتشر می‌کند، به گونه‌ای برگزیند که دست کم ۱۰ درصد آنها مستقیماً به اروپا مربوط باشد. این شبکه از سال ۲۰۰۸ تأثیرگذاری بر جامعه ایران را نیز به فعالیت‌های خود افزود. در این سال اتحادیه اروپا تصمیم گرفت بودجه سه میلیون یورویی برای راه‌اندازی زبان فارسی شبکه اختصاص دهد (http://p.dw.com/p/PqSz, 2012). لازم به ذکر است که زبان فارسی دهمین زبان این شبکه و جزو تنها سه زبان غیراروپایی این شبکه بعد از ترکی استانبولی و عربی است و

هدف از این اقدام گسترش ارتباط اتحادیه با فارسی‌زبانان ذکر شده است. بخش فارسی عملاً در سال ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد و پارلمان اروپا در اکتبر ۲۰۱۰ مراسم ویژه‌ای را برای راه‌اندازی این بخش برگزار کرد که نشان دهنده اهمیت این اقدام در نظر پارلمان است

۲-۶. ابزارهای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر مخاطبان ایرانی

تأثیرگذاری غیرمستقیم معمولاً از طریق پایه‌ریزی یک ارتباط طولانی و ایجاد رابطه‌ای استراتژیک ممکن است که بر اساس برنامه‌ریزی قبلی و با اهداف درازمدت و معینی ایجاد می‌شود. در واقع، ابزارهای غیرمستقیم دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال ایران با هدف اطلاع‌رسانی، افزایش شناخت و تبلیغ ارزش‌های مورد نظر در جامعه ایرانی صورت می‌گیرد و از این طریق همراه‌سازی تدریجی با ارزش‌های مورد نظر در یک روند تدریجی و به‌طور نامحسوس دنبال می‌شود.

نمایندگی‌ها: اتحادیه اروپا غالباً ارتباطات بلندمدت مذکور را از طریق نمایندگی‌های خود در کشورهای ثالث دنبال می‌کند. در مورد ایران به دلیل عدم برخورداری از نمایندگی، این تلاش‌ها از سوی سفارتخانه‌های کشورهای عضو دنبال می‌شود. برای مثال، سفارت فرانسه در تهران در سال ۱۳۸۷ با ارسال نامه مستقیم به تعداد برگزیده‌ای از رسانه‌های ایرانی و ذکر اسامی خبرنگاران مورد نظر از آنها دعوت کرد برای آشنایی با اتحادیه و دیدار با مقامات آن سفری به فرانسه و بلژیک داشته باشند. برخی سفارتخانه‌های اروپایی نیز با انجام فعالیت‌های خبری و حضور در فضای مجازی سعی در تأثیرگذاری بر مخاطبان دارند. به عنوان نمونه، در وب سایت فارسی سفارت آلمان بخشی به نام «سیاست خارجی و اروپایی» در نظر گرفته شده که در آن مباحث حقوق بشری در ایران و مقایسه آن با آلمان و اتحادیه اروپا، گفتمان با جهان اسلام و روابط ایران با آلمان دیده می‌شود (وب سایت سفارت آلمان، ۱۳۹۳).

همچنین انگلیس نیز که تا پیش از تعطیلی سفارتخانه‌اش در ایران، در وب سایت سفارتخانه مباحث حقوق بشری و اقلیت‌ها را دنبال می‌کرد، بعد از تعطیلی سایتی به نام «بریتانیا برای ایرانیان» را برای حفظ ارتباط با مخاطبان ایرانی راه‌اندازی کرده است. ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه بریتانیا با اعلام خبر تاسیس این وب‌سایت تحت مدیریت وزارت امور خارجه، هدف راه‌اندازی آن را «گشودن دریچه‌ای به بریتانیا برای مخاطبان ایرانی» و «توضیح سیاست‌های بریتانیا در قبال موضوعات سیاسی و حقوق بشری ایران» توصیف کرده است (<http://p.dw.com/p/14Ka4>, 2012).

پنجره همکاری خارجی ارساموس مندوس: همان‌طور که پیش از این عنوان شد این ابزار

تقویت ارتباطات آموزشی و فرهنگی و تربیت دانش‌آموختگان خارجی در اروپا به عنوان سفرای اتحادیه در بازگشت به کشور خود را مدنظر قرار داده است. اتحادیه در این زمینه برنامه خاصی از سال ۲۰۰۴ را برای سه کشور ایران، عراق و یمن طراحی و اجرا می‌کند. به منظور اجرای این برنامه در سه کشور مزبور کنسرسیومی متشکل از ۱۰ دانشگاه اروپایی و ۱۰ دانشگاه از این سه کشور به رهبری انستیتوی بین‌المللی ژئو اینفورمیشن هلند تشکیل گردید. دانشگاه‌های طرف همکاری در ایران عبارتند از: دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه آزاد، دانشگاه شیراز، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه شهید چمران اهواز. همکاران پروژه نیز دانشگاه خواجه نصیر، انستیتوی حفظ خاک و مدیریت آب، دانشگاه فنی شاهرود، اداره همکاری علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و انستیتوی آموزش عالی خاوران هستند. گزارش‌های سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که برای سال تحصیلی ۲۰۱۱-۲۰۱۲ از ایران در مجموع ۷۸۲ نفر درخواست استفاده از این فرصت را داده‌اند که شامل ۴۸۶ مرد و ۲۹۶ زن می‌شود. پذیرفته‌شدگان نیز ۱۶ زن و ۱۶ مرد هستند. این آمار پذیرفته شده برای سال ۲۰۱۴ نیز ۳۱ نفر می‌باشد (European Commission, ۲۰۱۴: ۷-۹).

کتاب و فیلم: طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی، کتاب‌ها و فیلم‌های گوناگونی با هدف تخریب وجهه جمهوری اسلامی و گسترش ایران‌هراسی در جهان تولید شد که بخشی از این محصولات در اروپا تهیه شده و بخش دیگر نیز با استقبال گسترده اروپایی‌ها و حمایت همه‌جانبه مواجه و به طور گسترده در این قاره توزیع شده است. تهیه و ارائه این محصولات یکی از بارزترین تلاش‌های دیپلماسی عمومی اروپا بود که هدف آن ایجاد تصویری منفی از جمهوری اسلامی ایران در کشورهای ثالث است. کتاب‌هایی چون «زنان و سیاست در ایران» نوشته حمیده صدقی (سال ۲۰۰۷، انتشارات کمبریج)، «سیاست جنسی در ایران مدرن»^۱ نوشته جانث آفری^۲ (سال ۲۰۰۹، انتشارات کمبریج)، کتاب «خرید بمب» نوشته گوردون کوررا (سال ۲۰۰۶، انتشارات دانشگاه آکسفورد)، کتاب «پاسداران انقلاب» نوشته ری تکیه (سال ۲۰۰۹، انتشارات آکسفورد)، کتاب «اقلیت‌های مذهبی در ایران» نوشته اکیز ساناساریان (سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج) و... چهره‌ای منفی از روند تحولات داخلی کشورمان را به خوانندگان اروپایی ارائه می‌کنند. در زمینه تولید فیلم نیز تلاش‌های مشابهی صورت گرفته است. اغلب این فیلم‌ها از «بدون دخترم هرگز»^۳ (که به‌طور وسیعی در اروپا به نمایش درآمد و حتی به شبکه‌های تلویزیونی داخل اروپا نیز راه پیدا کرد)

1. Sexual Politics in Modern Iran

2. Janet Afary

3. Not without my daughter

تا فیلم‌هایی که در سال‌های اخیر در این قاره تهیه شده همانند «پرسپولیس^۱» (که از سوی فرانسه برای رقابت‌های اسکار معرفی شد و در جشنواره کن نیز جایزه هیئت داوران را به خود اختصاص داد) در حالی که از لحاظ ساختار و محتوا ضعیف، غیرحرفه‌ای و پیش پا افتاده بودند، اما اهداف دیپلماسی فرهنگی اروپا در مورد ایران را تأمین می‌کردند. به عنوان نمونه، فیلم «مرغ با آلو^۲» در فرانسه با بودجه ۱۵ میلیون دلاری و با حمایت شرکت‌های برجسته اروپایی ساخته شد. این فیلم که بر اساس کتابی به همین نام تهیه شده ترکیبی از انیمیشن، تصاویر نقاشی شده و فیلم است. فیلم مزبور تصاویری غمبار و ناامید کننده را از زندگی در ایران به نمایش می‌گذارد که در نهایت نیز به خودکشی بازیگر نقش اول منتهی می‌شود. به‌طور کلی، این فیلم‌ها که تصویری منفی از جامعه ایران را به تصویر کشیده و حلقه ایران‌هراسی را تکمیل می‌کنند مورد استقبال طراحان دیپلماسی فرهنگی اروپا قرار گرفته و موفق به دریافت جوایز متعدد از جشنواره‌های مختلف شدند.

ابزار همکاری توسعه‌ای: در قانون سال ۲۰۰۶ ابزار همکاری توسعه‌ای^۳ چارچوب کمک به بازیگران غیردولتی و مقامات محلی روشن شده است. اهداف این برنامه عبارتند از:

۱. حمایت از اقدامات توسعه‌ای که توسط بازیگران غیردولتی یا مقامات محلی در همکاری با جوامع محلی انجام شده و با هدف افزایش امکان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.
۲. تقویت ظرفیت سازمان‌های جامعه مدنی برای مشارکت در فعالیت‌های کاهش فقر و توسعه استراتژیک پایدار. این ابزار در سال‌های معدود فعالیت خود برنامه‌های گوناگونی را در ایران دنبال کرده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸ در مجموع ۷۸ کشور برای دریافت کمک مناسب تشخیص داده شدند و بودجه‌ای معادل ۱۳۵ میلیون یورو برای این کار در نظر گرفته شد. در منطقه خاورمیانه تنها کشورهای ایران، عراق و یمن مشمول این ابزار شدند. در این سال، مبلغ یک میلیون و پانصد هزار یورو برای حمایت از ابتکارات و پروژه‌هایی که توسط بازیگران غیردولتی و یا مقامات محلی ایران ارائه می‌شود تخصیص یافته است. در سال ۲۰۰۸ در قالب کمک‌های توسعه‌ای رسمی قراردادهایی به ارزش یک میلیون و دویست هزار یورو برای فعالیت در ایران منعقد شده است. در سال ۲۰۰۹ نیز تعهدات پرداخت کمک به ایران در مجموع بیش از ۷ میلیون یورو بوده است (Commission Staff Working Document, 2009). بر اساس برنامه کاری سال ۲۰۱۰ - ۲۰۱۱ تحت ابزار همکاری توسعه‌ای نیز مبلغ یک میلیون و پانصد هزار یورو برای ایران پیش‌بینی شد. بر اساس استراتژی

1. PERSEPOLIS

2. Poulet aux prunes

3. Development Cooperation Instrument (DCI)

سال‌های ۲۰۰۷ - ۲۰۱۰ که مداخله در کشورهای دیگر را پیش‌بینی می‌کند این مداخله‌ها باید در قالب فعالیت‌های توسعه‌ای حجم کوچک در دامنه وسیعی از بخش‌ها و موضوعات مختلف صورت گیرد. این بخش‌ها شامل توسعه اقتصادی، بهداشت و آموزش و هدف اصلی آنها تقویت نهادهای جامعه مدنی است که پیش شرط جامعه باز و ایجاد دموکراسی می‌باشد (https://ec.europa.eu/europeaid/how/finance/dci_en.htm_en, 2012).

همچنین تحت برنامه ابزارهای همکاری و همسایگی اروپایی^۱ و برنامه ابزارهای همکاری توسعه T برای سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳، برای برنامه منطقه‌ای حمایتی ۴۷ کشور در حال توسعه در امریکای لاتین، آسیا، آسیای مرکزی و منطقه خلیج فارس (شامل کشورهای ایران، عراق و یمن) ۱۶/۹ میلیارد یورو بوده است (European Parliament report, 2014: 250). این رقم تحت برنامه ابزارهای همکاری توسعه برای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ برای مناطق مذکور، ۱۹/۶ میلیارد یورو پیش‌بینی و اختصاص داده شده است (https://ec.europa.eu/europeaid/how/finance/dci_en.htm_en 2017).

بحث و نتیجه‌گیری

قدرت هنجاری و نرم اتحادیه اروپا موضوعی دل‌بخوایی و اختیاری محض این اتحادیه نبود، بلکه این جبر محیط بین‌الملل در فضای بعد از جنگ جهانی دوم و افول و تحلیل قدرت نظامی و اقتصادی اروپا بود که آنها را وادار به انتخاب این نوع از قدرت و تقویت بعد دیپلماسی فرهنگی نمود. با این حال این جنبه از قدرت اروپا بعد از جنگ جهانی دوم بسیار سریع‌تر و ساختارمندانه‌تر از سایر نقاط جهان در بحث‌های فرهنگی و هنجاری رشد کرده و تأثیرگذاری خود را نمایان کرد. بنابراین به‌رغم انتقاداتی که نسبت به قدرت نرم و هنجاری اروپا و برخوردهای دو گانه و مرتبط با منافع خود وجود داشته است، با این حال تحلیل‌گران مسائل اروپا معتقدند که احیای اروپای ویران بعد از جنگ جهانی دوم با قدرت هنجاری و استفاده درست (ولو ابزاری) از آن میسر شد. بنابراین، هرچند دیپلماسی فرهنگی واحدی از سوی اتحادیه اروپا برای تأثیرگذاری جداگانه و مختص بر جامعه و افکار عمومی جمهوری اسلامی ایران تعریف نشده است، با این حال این سیاست‌ها در همان چارچوب راهبردهای فرهنگی اتحادیه اروپا که از سال ۱۹۹۲ و از پیمان ماستریخت تحت عنوان برنامه‌های سیاست فرهنگی اتحادیه اروپا مطرح شده بود پیگیری و بودجه‌های مستقل خود را داشته است. این

1. The European Neighbourhood & Partnership Instrument

سیاست‌های فرهنگی تا به امروز از طریق دو شیوه نفوذ و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم که هر کدام نیز ابزارهای عملیاتی خود را دارد، ادامه داشته و تحت پوشش عناوین مختلف در چارچوب قدرت نرم این اتحادیه با استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی و قدرت هنجاری عملیاتی می‌شود. این سیاست‌ها به‌رغم فراز و نشیب‌های سطح و عمق روابط سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن با جمهوری اسلامی ایران، همواره ثابت می‌باشد و متناسب با رویکردهای دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی ایران در نزدیکی و دوری از اتحادیه اروپا، از روش‌های تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم استفاده می‌شود. در این راستا تأثیرگذاری و برآورده شدن منافع اتحادیه اروپا در ایران در چارچوب دو روش گفته شده (مستقیم و غیرمستقیم) از سه راه برای این اتحادیه قابل حصول است: نخست، برقراری روابط گسترده با دولت و تأثیرگذاری از طریق مناسبات سیاسی و اقتصادی (در صورت روابط رسمی سطح بالا)؛ دوم، بکارگیری قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و فرهنگی و تأثیرگذاری بر ملت ایران (در صورت روابط رسمی پایین) و سوم، تلفیق و بکارگیری همزمان دو راه پیش گفته. مطالعه روابط میان ایران و کشورهای اروپایی و همچنین اتحادیه اروپا به عنوان یک موجودیت واحد نشان می‌دهد که این اتحادیه و دولت‌های عضو آن در مقاطع مختلف عمر نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به سطح و عمق روابط، از یکی از دو روش اول و یا تلفیقی از هر دو سود برده‌اند. به این صورت که آن هنگام که روابط رسمی و سیاسی آنها با ایران قطع یا دچار رکود شده (مثلاً دوران جنگ تحمیلی و دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد) به طرق مختلف در تلاش بوده‌اند که ارتباط خود را با ملت و مردم ایران حفظ نمایند و آن زمان که روابط سیاسی سمت و سوی تنش‌زدایی به خود گرفته است (دوره ریاست جمهوری هاشمی، خاتمی و روحانی) از هر دو شیوه یعنی هم ارتباط با دولت و هم ارتباط با ملت به طور همزمان بهره برده‌اند.

بنابراین، درکنار روابط سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن با ایران در هر سطح و عمقی، استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشور همواره یکی از راهبردهای اصلی اروپاییان بوده است. در این راستا، برقراری ارتباط درازمدت با مخاطبان ایرانی و تأثیر برگزگتمان آنها، اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر، ارتقاء وجهه خود و تخریب چهره دولت و نظام سیاسی ایران، موضع‌گیری، صدور بیانیه، بهره‌گیری از مذاکرات دوجانبه در جهت اعمال تغییرات مطلوب و نیز دسترسی به لایه‌های داخلی جامعه، استفاده گسترده از ابزارهای اطلاع‌رسانی، رسانه‌ای، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی،

تأثیرگذاری بر تحولات داخلی، ارتباط‌گیری مستقیم، دعوت به سفر، هدایت افکار عمومی کشورهای ثالث، ارائه کمک‌های گوناگون توسعه‌ای، ارتقاء دموکراسی و حقوق بشری و انسان دوستانه به سازمان‌های غیردولتی، شناخت، ایجاد، تقویت، حمایت و شبکه‌مندسازی جامعه مدنی، گسترش تعاملات دانشگاهی و دانشجویی و پذیرش دانشجویان ایرانی، نمونه‌هایی از راهکارهای بکار گرفته شده در قبال کشورمان است. شناخت و آگاهی کامل از جنبه‌های مختلف این فعالیت‌ها نیازمند انجام بررسی‌های همه‌جانبه در انواع گوناگون و متنوع راهکارهای اتحادیه و تحرکاتی است که در داخل و نیز خارج کشورمان صورت می‌گیرد. این مقاله بخشی از این تلاش‌ها را روشن ساخته و زمینه‌هایی را برای انجام تحقیقات گسترده‌تر بعدی فراهم می‌سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی قدرت نرم*، گردآوری حجت‌الله مرادی، تهران: نشر ساقی.
- شعاعی، محمدعلی (۱۳۷۴). *آشنایی با مفاهیم و روابط فرهنگی*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). *قدرت نرم*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، شماره سوم، صص ۱۱۷-۸۵.
- وبسایت سفارت آلمان در تهران (۱۳۹۳). «بیانیه‌های نماینده ارشد اتحادیه اروپا برای سیاست و امنیت خارجی»، در آدرس اینترنتی: <http://www.teheran.diplo.de>
- وبسایت سفارت آلمان در تهران (۱۳۹۳). «سیاست خارجی و اروپایی»، در آدرس اینترنتی: <http://www.teheran.diplo.de>
- Bernd Kaussler(2008): 'European Union Constructive Engagement with Iran (2000-2004): An Exercise in Conditional Human Rights Diplomacy', *Iranian Studies*, June 2008, volum 41, number 3.
- Commission Staff Working Document(2014)), Annex to the Report From The Commission To The Council Aand The European Parliament, Annual Report 2009 on the European Community's Development and External Assistance Policies and their Implementation in 2008, Accessible at: http://www.milieuloket.nl/9353000/1/j4nvg5kkg27kof_j9vvhurbs7zrkq9/vi6wc-j63zpyk/f=/pdf, accessed by (2014, December, 10)
- Council Of The European Union(2009), "Ensuring protection – European Union Guidelines on Human RightsDefenders", 16332/2/08,REV 2, Brussels, 10 June 2009, Accessible at: <http://register.consilium.europa.eu/pdf/en/08/st16/st16332-re02.en08.pdf>, accessed by (2014, December, 4)
- Duke, S. (2013). *The European External Action Service and Public Diplomacy*. In *European Public Diplomacy* (pp. 113-136). Palgrave Macmillan, New York.

- Michael J. Waller(2009): Cultural Diplomacy, Political Influence, and Integrated Strategy,” in Strategic Influence: Public Diplomacy, Counterpropaganda, and Political Warfare. Washington, DC: Institute of World Politics Press, 2009 74.
- Ebels, Philip (2012), EU culture budget: small and likely to get smaller, available at: <https://euobserver.com/culture/117961>.
- EC (2007), Communication from the Commission to the European Parliament, the Council, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions of 10 May 2007 on a European agenda for culture in a globalizing world
- EM ECW (2013), External Cooperation Window, available at: http://eacea.ec.europa.eu/Erasmus_mundus/ecw/index.htm.
- European Commission(2015), Trade for All: European Commission presents new trade and investment strategy, Brussels, 14 October 2015.
- European Commission (2014), Erasmus Mundus Iran, Iraq and Yemen, available at: http://www.emiiy.org/scholarship_info/number_of_scholarships. Accessed by 2014, December, 8
- European Parliament (2014), European Parliament resolution on the EU strategy towards Iran, available at: <http://www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=//EP//TEXT+MOTION+B7-2014-0279+0+DOC+XML+V0//EN>, accessed by 2014, December, 9.
- GARRIGA POLLEDO, Salvador (2014), Special committee on the policy challenges and budgetary resources for a sustainable European Union after 2013, European Parliament press.
- European Union (2007),”Culture 2000 Programme”, available at: http://europa.eu/legislation_summaries/culture/l29006_en.htm
- European Union (2007),”Culture 2007 Programme”, available at: http://europa.eu/legislation_summaries/culture/l29016_en.htm
- Germany - GFMOFA, ‘Strategy for the immediate future’, GFMOFA, available at: http://www.auswaertigesamt.de/www/en/aussenpolitik/kulturpolitik/grundsaeetze/index_html.
- https://ec.europa.eu/europeaid/how/finance/dci_en.htm_en
- http://www.eusa.org.za/en/PDFdownload/Development/Europeaid_Annual_Report_2010.pdf
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1929875>
- Isar, Yudhishtir Raj (2012), “CULTURE IN EXTERNAL RELATIONS”: THE EU IN CULTURAL DIPLOMACY, magazine of the Association of Public Diplomacy Scholars at the University of Southern California
- Joseph S. Nye(2004) , Soft Power: The Means to Success in World Politics .Cambridge: Perseus Books.

- Lisack, Gaelle (2014), European external cultural relations: Paving new ways?, This publication was created within the framework of ifa's Research Programme "Culture and Foreign Policy" in cooperation with *MORE EUROPE – external cultural relations*. The Research Programme is funded by the German Federal Foreign Office.
- Mark Leonard and Catherine Stead(2002), Public Diplomacy, Foreign Policy Center, London.
- Mary N. Maack(2001), "Books and Libraries as Instruments of Cultural Diplomacy in Francophone Africa during the Cold War," *Libraries & Culture* 36, no. 1 (Winter 2001): 59.
- Morten Kjarum(2014), A Report on: 'The EU-IRAN Human Rights Dialogue', June 2007, Accessible at:http://www.pedz.uni-mannheim.de/daten/edz-ma/ep/07/pe381.396_en.pdf, accessed
- Nicholas J. Cull(2008), "Public Diplomacy: Taxonomies and Histories," *Annals of the American Academy of Political and Social Science* 616 (March 2008)
- PEW (2013a) Global Views of Iran Overwhelmingly Negative, June 11, Available at: <http://www.pewglobal.org/11/06/2013/global-views-of-iran-overwhelmingly-negative/>. Accessed by (2014, December, 2).
- PEW (2013b) , Global public opinion of Iran remains decidedly negative, September, 23, Available at: <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2013/09/23/global-public-opinion-of-iran-remains-decidedly-negative>. Accessed by (2014, December, 2).
- Zogby Research Service (2012), Looking at Iran, available at: <http://www.zogbyresearch-services.com/looking-at-iran/>, accessed by (2014, December, 5).